

تأثیرپذیری ساختاری و محتوایی قصه‌های آثار منظوم عطار نیشابوری از قصه‌های قرآن کریم

رحیم صالحی، مسعود پاکدل*، منصوره تدینی، سیما منصوری
گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران.

سال هجدهم، شماره سوم، خرداد ۱۴۰۴، شماره پی در پی ۱۰۹، صص ۹۵-۷۷

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2025.18.7731>

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی
(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: میراث ماندگار تمدن اسلامی از گذشته تاکنون تأثیر چشمگیری در زبان، ادبیات و فرهنگ فارسی داشته است. این میزان بالندگی در درجه نخست مرهون وام‌گیری از قرآن کریم و اثرگذاری آن بر ذهن اندیشمندان، هنرمندان، متفکران و ادیبان است تا جاییکه میتوان گفت قرآن مجید شاعران و نویسندگان زبان فارسی را در بسیاری از سطوح زبانی و محتوایی تحت تأثیر خود قرار داده است. آنچه در این مقاله هدف اصلی و زمینه کاربردی پژوهش است بررسی و تحلیل تأثیرپذیری ساختاری و محتوایی منظومه‌های عطار از قصه‌های قرآنی است.

روش پژوهش: روش پژوهش در این مطالعه توصیفی - تحلیلی بر مبنای شیوه سندکاوی و مطالعات کتابخانه‌ای با تمرکز بر منظومه‌های اصلی عطار شامل منطق الطیر، الهی‌نامه، اسرارنامه، مصیبت‌نامه و مختارنامه میباشد.

یافته‌های پژوهش: یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که عطار از شیوه‌های گوناگون تأثیرپذیری از آیات قرآن در قالب اثرپذیری واژگانی، گزاره‌ای، گزارشی، الهامی - بنیادی، تلمیحی، تأویلی، تصویری، شیوه‌ای، اشارات مذهبی و درونمایه‌های دینی بهره گرفته است.

نتایج پژوهش: نتایج پژوهش نشان میدهد که عطار از تأثیرپذیری معنایی و مضمونی، تأویلی، تلمیحی و گزاره‌ای بیشترین بهره را گرفته است. عطار در بهره‌گیری از آیات قرآنی سعی کرده است تا از معنا و مضمون بیشتر بهره بگیرد.

تاریخ دریافت: ۲۵ مهر ۱۴۰۳

تاریخ داوری: ۲۷ آبان ۱۴۰۳

تاریخ اصلاح: ۱۲ آذر ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۲۶ دی ۱۴۰۳

کلمات کلیدی:

قرآن کریم، عطار نیشابوری، تأثیرپذیری، اشارات دینی، شاخصه‌های سبکی.

* نویسنده مسئول:

masoud.pakdel@iauo.ac.ir

☎ ۴۳۵۲۲۰۰۹ (۹۸۶۱+)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Structural and Content Influence of Attar Neyshaburi's Poetic Works on Stories from the Holy Quran

R. Salehi, M. Pakdel*, M. Tadayoni, S. Mansouri

Department of Persian Language and Literature, Ramhormoz Branch, Islamic Azad University, Ramhormoz, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 16 October 2024
Reviewed: 17 November 2024
Revised: 02 December 2024
Accepted: 15 January 2024

KEYWORDS

Holy Quran, Attar Neyshaburi, Influence, Religious references, Stylistic characteristics.

*Corresponding Author

✉ masoud.pakdel@iaui.ac.ir

☎ (+98 61) 43522009

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: The enduring legacy of Islamic civilization has had a significant impact on Persian language, literature, and culture since the past. This level of development is primarily due to borrowing from the Holy Quran and its impact on the minds of scholars, artists, thinkers, and writers, to the extent that it can be said that the Holy Quran has influenced Persian poets and writers on many linguistic and content levels. The main purpose and practical field of research in this article is to examine and analyze the structural and content influence of Attar's poetic systems on Quranic stories.

METHODOLOGY: The research method in this study is descriptive-analytical based on the method of document research and library studies focusing on Attar's main poetic works including Mantiq al-Tayr, Ilahinah, Asrarnah, Masabehnah, and Mukhtarnah.

FINDINGS: The research findings indicate that Attar has used various methods of being influenced by the verses of the Quran in the form of lexical, propositional, report, inspiration-fundamental, allusive, interpretive, pictorial, methodical, religious references and religious themes.

CONCLUSION: The research results show that Attar has used semantic and thematic, interpretive, allusive and propositional influences the most. In using Quranic verses, Attar has tried to use more meaning and content.

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2025.18.7731>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 19	 1	 1

مقدمه

قرآن کریم کتاب مقدس مسلمانان و از معجزات حضرت محمد (ص) و دین مبین اسلام است که هدف آن هدایت انسان و رساندن وی به کمال و سر منزل مقصود الهی است. این کتاب مقدس با اعجاز فراوان در زمینه‌های مختلف شگفت‌انگیزترین داستانها و حکایات را از پیامبران الهی در خویش گنجانده است و همانگونه که حق تعالی در آیه ۸۸ از سوره مبارکه اسراء میفرماید: «قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا» یعنی «بگو همه انسانها و جنیان در کنار هم آیند تا همانند این بیاورند، همانندش نخواهند آورد گرچه پشتیبان یکدیگر باشند». از قدیمیترین آثار ادبی زبان فارسی پس از اسلام تا به امروز، همواره شاهد ارتباط تنگاتنگ میان قرآن کریم و آثار ادب پارسی بوده و هستیم؛ تا جاییکه میتوان گفت کمتر اثری از آثار زبان و ادبیات فارسی را میتوان یافت - که حتی در کمترین میزان - از کتاب آسمانی قرآن کریم تأثیر نپذیرفته باشد از این رو زبان و ادبیات فارسی با فرهنگ، تمدن و سرمایه غنی خویش، همیشه وامدار گنجینه گرانبهای قرآن کریم بوده است و شاعران بسیاری بر خوان کرم و سفره گسترده قرآن کریم نشسته‌اند و بسیاری از اندیشه‌های عمیق خویش را از این منبع فیض الهی با جان و دل دریافت نموده‌اند. با مطالعه و تحقیق و تفحص در آثار منظوم و منثور فارسی میتوان به شواهد بسیار زیادی در تأثیرپذیری لفظی یا معنوی شاعران، ادیبان و هنرمندان از آیات قرآن کریم پی برد. تأثیر آیات قرآن کریم در حیطه معنایی و قصص انبیاء جهت آراستن کلام و بهره‌گیری معنایی در اشعار شاعران عارف ادبیات فارسی بویژه در منظومه‌های عطار بصورت چشمگیری قابل ملاحظه است. تأثیر قرآن در ساختار اشعار عطار بگونه‌ای است که از میان ویژگیهای سبکی عطار، جلوه‌های کلام وحی و تأثیرپذیری وی از جانمایه‌های قرآنی در پرداخت قصص انبیاء در واژه‌ها، اسلوبهای بیانی و ادبی و مضمون‌پردازی کاملاً واضح و مشخص است و پیوند عطار با قرآن کریم، پیوندی ژرف و عمیق است. هدف این مقاله و مسأله اصلی پژوهش پیش‌رو آن است که اثرپذیری ساختاری و محتوایی قصه‌های منظوم عطار از قصه‌های قرآن کریم را مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهد و به این پرسش اصلی پاسخ دهد که عطار از معانی، مفاهیم و ساختارمندی ظاهری و درونی قصه‌های قرآن کریم در پرداخت روایتهای منظوم خویش چگونه بهره برده است و این تأثیرپذیری به چه روشها و شیوه‌هایی انجام شده است؟

ضرورت و هدف پژوهش

با توجه به تحلیل و بررسیهای بعمل آمده تاکنون پژوهش و جستاری با این وسعت انجام نشده است و مقاله پیش‌رو به نظر پژوهشی جامع و بدیع است و با توجه به اهمیت و ضرورت موضوع، میتواند مورد استفاده پژوهندگان و محققان در عرصه علوم قرآنی، عرفانی و ادبیات فارسی قرار گیرد. هدف از این پژوهش تعیین ویژگیهای بهره‌گیری از آیات قرآن کریم در ساختار و محتوای قصه‌های منظوم عطار نیشابوری است که معرف جایگاه قرآن کریم در ذهن و زبان عطار و نوع نگرش وی نسبت به آن است. این پژوهش علاوه بر آنکه علاقه‌مندان به ادبیات را با شاخصه‌های سبک فکری و اعتقادی عطار بعنوان یکی از شاعران برجسته فارسی آشنا میسازد، جهت بهره‌گیری پژوهندگان میراث ارزشمند عرفان و تصوف قابل اعتناست.

پیشینه پژوهش و قلمرو آن

تاکنون مقاله‌ها، کتب و رساله‌های متعددی پیرامون عطار و داستانهای پیامبران، احادیث و روایات نوشته شده که چند اثر به موضوع جستار حاضر نزدیکند؛ مؤذنی در کتاب «در قلمرو آفتاب»، حلبی در کتاب «تأثیر قرآن و حدیث

در ادب فارسی «شهبازی در کتاب «پژوهشی بر تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی» پیرامون تأثیر آیات قرآن کریم، احادیث و روایات در ادبیات منظوم و منثور فارسی تحقیق و پژوهش نموده‌اند. راستگو در کتاب «تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی» زمینه‌ها و پیشینه تأثیرپذیری شاعران پارسیگو از قرآن و حدیث و نیز تغییر و تحولی که در روشهای مورد استفاده در آثار منظوم و منثور فارسی مورد توجه قرار گرفته را تحلیل نموده است. رضوی در کتاب «قرآن و ادب فارسی: اشارات قرآنی در اشعار حافظ» با تکیه بر غزلیات حافظ به تأثیرپذیری شعر و نثر فارسی از قرآن کریم پرداخته است.

جعفری برزبان و دیگران (۱۴۰۲) در مقاله «بررسی روابط بینامتنی اشعار عطار نیشابوری با داستان‌های قرآنی انعکاس یافته در نگارگری صفوی» اشاراتی به انواع تلمیحات قرآنی در اشعار عطار با تکیه بر نگاره‌ها و نقاشیهای منتخب از دوران صفویه داشته‌اند و در پایان مقاله چند نمونه مختصر از تأثیرپذیری واژگانی عطار را بعنوان شاهد مثال ذکر کرده‌اند. پژوهش پیش رو به لحاظ بررسی همه جانبه، دقیق و سیستماتیک با الگو قراردادن کتاب «تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی» در روش کار، نسبت به مقاله یادشده، رویکرد و اهدافی کاملاً متفاوت دارد. شفیع‌زاده (۱۴۰۱) در مقاله خود با عنوان «تأثیر قرآن کریم بر عرفان عطار نیشابوری و تحلیل تأثیرات فرهنگی و اجتماعی آن» به تأثیر مستقیم و غیرمستقیم قرآن کریم بر اندیشه‌ها و افکار عطار نیشابوری پرداخته است و با ارائه مصادیقی از منطق الطیر و تذکره‌الاولیا نشان داده است که قرآن کریم سبب تقویت مسأله همبستگی اجتماعی و ارتقاء اخلاق در جامعه می‌شود و نمود آن در اشعار عطار قابل مشاهده است.

اسداللهی و جلالی شیجانی (۱۳۹۵) در مقاله «تحلیلی از تأثیر آیات و روایات در آثار عطار نیشابوری»، با تکیه بر اسرارنامه، منطق الطیر و دیوان قصاید و غزلیات عطار، شگردهای تأثیرپذیری مستقیم و غیرمستقیم عطار از آیات الهی را مورد توجه قرار داده است. این مقاله نیز ضمن پرداختن بتصوّف در قرن ششم و تفسیری از آثار عطار بصورت مبسوط، درنمایه‌هایی چون عشق، مقام وحدت، مقام انسان، استغنا، توکل، فنا ... را تحلیل و ارزیابی نموده و با رویکرد پژوهش حاضر متفاوت است.

روش پژوهش

روش پژوهش در این جستار، توصیفی - تحلیلی^۱ بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای و روش سندکاوی است. بمنظور رعایت حجم مقاله از مصادق مورد بررسی تنها یک یا دو مورد بعنوان شاهد مثال ذکر خواهد شد. محمد راستگو در کتاب «تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی» گونه‌های اثرپذیری از قرآن و حدیث را در شعر فارسی در قالب مؤلفه‌ها و گزاره‌هایی چون «اثرپذیری واژگانی»، «اثرپذیری گزارشی»، «اثرپذیری تفسیری» و ... تقسیم نموده است که مبنای روش کار در این مطالعه قرار گرفته است.

مفاهیم نظری

«قرآن کریم برای سخنوران مسلمان که به زبان عربی آشنا بودند، هرگز یک کتاب مذهبی صرف نبوده است. این کتاب آسمانی در کنار ابعاد مذهبی، ویژگیهای شگرف دیگری را نیز داراست که پیوسته آن را برای شعرا و ادبا بشکل یک منبع بی پایان نیروی بیان و یک آبشخور دل انگیز اخذ، اقتباس و الهام درآورده است» (شاملی و دیگران، ۱۳۹۲: ص ۲۴۴). این استفاده گاه از تشبیهات قرآنی است، گاه از تمثیلهای و داستانهای آن. لازم به ذکر

۱. Descriptive - analytic

است با ترویج زبان عربی در دوره خلفای عباسی، کم‌کم تأثیر قرآن و حدیث در شعر و ادب فارسی فزونی می‌گیرد و با غلبه حکومت‌های ترک (غزنویان) از رواج قصه ایرانی کاسته شد. شاعرانی چون سنایی، عطار و پس از وی تأثیر بسیار زیادی از قرآن، اخبار و احادیث گرفته‌اند (خرمشاهی، ۱۳۷۷: صص ۱۷۱۸ - ۱۷۱۹؛ ر.ک اسداللهی و جلالی شیجانی، ۱۳۹۵: ص ۱۶۱). شاعران و گویندگان مثنویهای عرفانی از جمله عطار از ساختار حکایات روایی و سنت قصه‌گویی حکایات آن در جهت تبیین مسائل گوناگون دینی، عرفانی و فلسفی بهره‌جسته‌اند و از این میان عطار در مثنویهای چهارگانه خویش از قالب حکایات و قصه‌های کوتاه و بلند در پیوند تنگاتنگ با آیات الهی بهره‌جسته است. عطار در این مثنویها بشدت تحت تأثیر سنت دینی معهود و سپهر و اندیشه قرآنی جهان اسلام است و کلان‌پیرنگ داستانهای او با تار و پود قرآن کریم و قصص آن عجین شده است. تأثیر کتاب مقدس قرآن کریم از عوامل مهم فرایند تکامل شعر عرفانی عطار است که در ادامه به بحث و بررسی پیرامون آن با ذکر شواهد مثال و ارائه جدول و نمودار خواهیم پرداخت.

تحلیل داده‌ها

تأثیرپذیری واژگانی: در تأثیرپذیری واژگانی، شاعر در پاره‌ای از ترکیبها، واژه‌ها و عبارات وامدار مضامین قرآنی است یعنی شاعر واژه‌ها و ترکیبهایی را در اشعار خویش می‌آورد که ریشه قرآنی دارد و بصورت مستقیم یا غیرمستقیم به زبان شاعر راه یافته است و اگر قرآن نبود، این واژه یا ترکیب نیز بطور کلی به زبان راه نمی‌یافت (ر.ک راستگو، ۱۳۹۳: ص ۱۵). اثرپذیری واژگانی خود شامل چندین مورد است که در اینجا به ترتیب ذکر خواهیم نمود:

الف) وام‌گیری: در وام‌گیری ترکیبها و کلمات قرآنی با ساختار اصلی خود ذکر شده و بدون هیچگونه تغییری یا اندک تغییری بضرورت وزن شعر یا محدودیتهای شاعرانه دیگر با حفظ اصل ساختار عربی به ادبیات راه یافته است. نمونه‌هایی از این نوع اثرپذیری واژگانی در این ابیات از منظومه‌های عطار قابل مشاهده است. در قرآن کریم آمده است: «هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (حدید: ۳). یعنی اوست اول و آخر و ظاهر و باطن و اوست که به هر چیز دانا و آگاه است. عطار با رویکرد هنری به واژه «هو» آورده است:

ها	ز	باطن	واو	از	ظاهر	بود	معنی	هو	اول	و	آخر	بود
گر	به‌های	هو	اشارت	میکنی	ور	ز	واو	او	عبارت	میکنی		
ها	بیفکن	واو	را	آزاد	کن	بنده	شو	بی	ها	و	واوش	یاد

(عطار، ۱۳۹۲ ب: ص ۱۲۸)

تا	ابد	اعجوبه	عالم	تویی	اصل	کرّمنا	بنی	آدم	تویی
----	-----	--------	------	------	-----	--------	-----	-----	------

(عطار، ۱۳۹۲ ب: ص ۹۸)

که اشاره است به آیه مبارکه «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (الاسراء: ۷۰)

قدم	چون	خضر	نه	در	راه	مردان	که	گردد	در	نیاید	چرخ	گردان
مکان	کشتی	نوح	است	ای	صدر	زمانت	و	الضحی	و	لیل	القدر	

(عطار، ۱۳۸۸: ص ۳۶)

و الضحی اشاره دارد به آیه «وَالضُّحَىٰ وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ» (الضحی: ۱ - ۲) و لیل‌القدر اشاره دارد به آیه مبارکه «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» (القدر: ۱).

ب) **ترجمه:** در این مورد از تأثیرپذیری واژگانی شاعر یا هنرمند از واژگان قرآنی که پارسی شده و ترجمه شده‌اند استفاده مینماید؛ عطار در اشاره به آیه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (فاطر: ۱۵). «ای مردم! شما به خدا نیازمندید و خداست که بی‌نیاز ستوده است» آورد:

خطاب آمد که پاکان درگاه سجود آرید آدم را به یک راه
 که افشاندیم چندین سجده پاک ز استغناي خود بر پاره‌ای خاک
 که ذات ما ازینها بی‌نیاز است چه جای سجده و جای نماز است
 (عطار، اسرارنامه: ص ۲۲۱)

حق مستغنی است لیک چون درنگری چون نیست جز او از که بود مستغنی
 (عطار، مختارنامه، ص ۹۹)

عطار در این بیت نیز استغناي حضرت حق تعالی اثبات‌کننده آن است که چیزی جز حق وجود ندارد که بخواهد در برابر آن مستغنی باشد.

عطار در تحمیدیه آغازین منطق‌الطیر با بهره‌گیری از دو اصطلاح عرفانی قبض و بسط به آیات قرآن کریم چنین اشاره کرده است:

روز از بسطش سپید افروخته شب ز قبضش در سیاهی سوخته
 (عطار، ۱۳۹۱: ص ۱۹)

این بیت اشاره دارد به «وَالضُّحَىٰ وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ» (الضحی: ۱ - ۲). در داستانی در مصیبت‌نامه با اشاره به آیه مبارکه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (فاطر: ۱۵). «ای مردم! شما به خدا نیازمندید و خداست که بی‌نیاز ستوده است»؛ نیازمندی بندگان بحضرت حق و استغناي او را چنین توصیف نموده است:

این همه خاکی نمی‌بینی مدام تا ابد گردد مذلت این تمام
 دامن آن کبریا کرده بدست کرده چون گردی بر آن دامن نشست

مقصود عطار وجود بندگانی است که در هر لحظه و هر زمان به ذات غنی خداوند محتاجند.

چو خلقت نه سود و نه زیان است همه رحمت برای عاصیان است
 (عطار، ۱۳۸۸: ص ۲۰۱)

این بیت اشاره دارد به آنکه رحمت حق بسیار فراگیر است «رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ» (اعراف: ۱۵۶). یعنی «رحمت همه چیز را فراگرفته است». بنا به نص صریح قرآن کریم همگان از رحمت واسعه حق برخوردار میشوند حتی عاصیان و گناهکاران.

ج) **برآیندسازی:** در این شیوه آوردن واژه «بر پایه مضمون آیه‌ای یا حدیثی ساخته میشود بدیگر سخن، چنین واژه یا ترکیبی برآیند و فرآورده است از آیه یا حدیث» (راستگو، ۱۳۹۳: ص ۱۸). برآیندهای ساخته شده از آیات قرآن کریم در منظومه‌های عطار، عمدتاً ساخته و پرداخته ذوق و قریحه شاعرانه اوست؛ در این شیوه عطار از کلمات قرآنی در قالب تعابیر ادبی بهره میبرد مانند:

هم ز فرعون بهیمی دور شو هم به میقات آی و مرغ طور شو
 (عطار، ۱۳۹۱: ص ۲۴)

این مفهوم برآیند و بر ساخته توجه عطار به آیه شریفه «فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ» (قصص: ۲۹) است که خداوند میفرماید: آنگاه که موسی (ع) عهد خدمت به پایان رسانیده و با اهل بیت خود [از نزد شعیب] رو به دیار خویش کرد [در راه] آتشی از جانب طور دید، به اهل بیت خود گفت: شما در اینجا بمانید که از دور آتشی مرا مینماید [رهسپار میشوم] تا شاید از آن خبری بیاورم یا برای گرم شدن شما شعله‌ای برگیرم»

شد ز علمش لوح محفوظ آشکار شد قلم از قدرتش مشغول کار (عطار، ۱۳۹۲ ب: ص ۲۴۱)

که اشاره است به «فی لَوْحٍ مَحْفُوظٍ» (بروج: ۲۲): «[قرآن] در لوحی محفوظ است».

ز روزنهای مشکاتی مشبک نشیمن کرده شاخی مبارک (عطار، ۱۳۹۲ الف: ص ۱۰۵)

اشاره دارد به آیه مبارکه «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (نور: ۳۵). یعنی «خداوند نور آسمانها و زمین است؛ مثل نور او چون چراغدانی است که در آن، چراغی، و آن چراغ در شیشه‌ای است، که آن شیشه گویی اختری درخشان است، که از درخت خجسته زیتونی که نه شرقی است و نه غربی افروخته میشود، نزدیک است که روغنش [هر چند بدان آتشی نرسیده باشد] روشنی بخشد. روشنی بر روی روشنی، خداوند هر کس را که بخواهد با نور هدایت خویش راهنمایی میکند، و این مثلها را خداوند برای مردم میزند و خداوند بر هر چیزی داناست».

تأثیرپذیری گزاره‌ای: در کتب بلاغی، تضمین و اقتباس بعنوان دو شیوه تأثیری گزاره‌ای شناخته میشوند. «اقتباس [بمعنای] پرتوی از نور و فروغ گرفتن است [و] پاره‌ای که از آتش بگیرند و آتش دیگر با آن روشن کنند و گرفتن علم و هنر و ادب آموختن از دیگری را اقتباس می‌گفته‌اند» (حلبی، ۱۳۹۸: ص ۵۲). در تعریف تضمین آمده است: «در دانش بدیع لفظی تضمین آن است که شاعری پاره‌ای یا مصراع یا بیت یا ابیاتی از شاعر دیگر را در شعر خویش بیاورد و در صورت مشهور نبودن [نام] شاعر را نیز ذکر کند» (شریفی، ۱۳۸۸: ص ۴۲۰). در علم بدیع معنوی، تضمین در معنای ابیات موقوف‌المعانی بکار رفته است، بگونه‌ای که دو بیت در معنا بهم وابسته باشند بمانند تفسیر، جواب شرط و نمونه‌هایی از این قبیل (ر.ک همایی، ۱۳۸۶: ص ۲۲۰). در معنای کلی، تضمین و اقتباس آن است که عبارتی را بدون تغییر در همان ساختار اولیه خویش یا با حداقل تغییر در کلام جای دهیم. هنگامیکه شاعر از آیات قرآن کریم جهت تضمین و اقتباس بهره میگیرد اهداف گوناگونی را دنبال میکند: «تبرک و تیمن، توضیح، تعلیل و توجیه، تشبیه، تمثیل، تحریض، تحذیر، تزئین، استشهاد و استناد، نکته‌پردازی، اظهار فضل و هنرنمایی و...» (راستگو، ۱۳۹۳: ص ۳۰). نمونه‌های تضمین و اقتباس از آیات قرآن کریم در این اشعار عطار:

نفقه چیزی که دارای چارسو لن تنالوا البر حتی تنفقوا (عطار، ۱۳۹۱: ص ۱۱۷)

تضمین از آیه ۹۲ سوره مبارکه آل عمران است که میفرماید: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ» یعنی: «هرگز به نیکوکاری نخواهید رسید تا از آنچه دوست دارید انفاق کنید؛ و از هر چه انفاق کنید، بی‌شک خدا بدان آگاه است».

خلق را روشن شود زو آفتاب و او نداند آفتاب از هیچ باب در همه عالم که جست از عنکبوت قصه حی الذی هو لایموت (عطار، ۱۳۹۲ ب: ص ۲۱۷)

تضمینی است از آیه «وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ وَكَفَى بِهِ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا» (فرقان: ۵۸) یعنی: «و بر آن زنده که نمی‌میرد توکل کن و به ستایش او تسبیح گوی؛ و همین بس که او به گناهان بندگانش آگاه است».

فنا و ملک و زوالش مالک آمد اساسش کل شی هالک آمد (عطار، ۱۳۹۲ ب: ص ۵۸)

نه ز ملکم بیم و نه از مالک است بیم من از کل شی هالک است (همان: ص ۱۰۲)

«کل شی هالک» تضمینی است از آیه مبارکه «وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» (قصص: ۸۸)؛ یعنی «و هرگز با خدای یکتا دیگری را به خدایی مخوان، جز او هیچ خدایی نیست، هر چیزی جز ذات پاک الهی نابود است، فرمان با او و بازگشت شما به سوی اوست».

بدو گفتا که چون قرآن شنیدی فلا انساب بینهم ندیدی؟ (عطار، ۱۳۸۸: ص ۱۶۱)

این بیت تضمینی است از آیه مبارکه «فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ» (مؤمنون: ۱۰۱). یعنی: «پس آنگاه که نفخه صور قیامت دمیده شد دیگر نسب و خویشی در میانشان نماند و کسی از کس دیگر حال نپرسد».

تأثیرپذیری گزارشی یا تفسیری: این نوع از اثرپذیری در حقیقت تأثیری است که از آیات قرآن گرفته میشود و بیشتر جنبه تفسیری دارد؛ بدین معنا که شاعر با نگاهی تفسیری مضمون آیه را مورد توجه قرار میدهد و در واقع به گزارش آن می‌پردازد (ر.ک حلبی، ۱۳۹۸: ص ۵۹). گاه شاعر لفظی بلیغ را بخدمت می‌گیرد و معنا را به تمامی منتقل کند؛ «اگر مطلبی از زبانی به زبان دیگری برگردانده شود، ترجمه صورت گرفته است؛ این کار هنری هم در نثر و هم در نظم رواج دارد» (همایی، ۱۳۸۶: ص ۳۷۸). ترجمه با بصورت تحت‌اللفظی صورت می‌گیرد یا بصورت آزاد در قرآن کریم آمده است: «يَمْخُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُنْثَبُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» (رعد: ۳۹). یعنی: «خدا آنچه را بخواهد محو یا اثبات می‌کند و اصل کتاب نزد اوست». عطار با بهره‌گیری از این آیات وحیانی آورده است:

یکی پرسید از آن دیوانه ساری که‌ای دیوانه، حق را چیست کاری چنین گفت او که لوح کودکان را اگر دیدی، چنان میدان جهان را که گاه آن لوح بنگارد در آغاز در این نظاره بود، روزگاری بجز اثبات و محوش نیست کاری (عطار، ۱۳۸۸: ص ۳۲۷)

در خصوص خلقت آدم (ع) و سجود ملائک بر او:

فرشته گر ببیند جوهر تو دگر ره سجده آرد بر در تو
 خلیفه‌زاده‌ای گلخن رها کن به گلشن شو گدا طبعی قضا کن
 (عطار، ۱۳۹۲ الف: ص ۱۵۷)

عطار در این ابیات به ذکر بخشی از داستان آفرینش آدم (ع) پرداخته و با نگاهی به سوره مبارکه طه سجده فرشتگان بر آدم و مقام خلیفه‌اللهی او را مورد توجه قرار می‌دهد: «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكُمَا مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَى» (طه: ۱۱۶ - ۱۱۸). یعنی: «و [یاد کن] هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده کنید.» پس، جز ابلیس که سر باز زد [همه] سجده کردند. پس گفتیم: ای آدم، در حقیقت، این [ابلیس] برای تو و همسرت دشمنی [ناکار] است، زهار تا شما را از بهشت به در نکند تا تیره‌بخت گردی. در حقیقت برای تو در آنجا این [امتیاز] است که نه گرسنه می‌شوی و نه برهنه می‌مانی...». عطار در مقاله هشتم الهی‌نامه، در ساختاری تمثیلی داستان حضرت یوسف و بنیامین را مورد توجه قرار داده است. آیه مورد نظر چنین است: «فَلَمَّا جَهَّزَهُمْ بِجَهَّازِهِمْ جَعَلَ السَّقَابَةَ فِي رَحْلِ أَخِيهِ ثُمَّ أَذَّنَ مُؤَذِّنٌ أَتَتْهَا الْعِيرُ إِنَّكُمْ لَسَارِقُونَ» (یوسف: ۷۰). یعنی: «پس هنگامی که آنان را به خوار و بارشان مجهز کرد، آبخوری را در بار برادرش نهاد. سپس [به دستور او] نداکننده‌ای بانگ درداد: ای کاروانیان، قطعاً شما دزد هستید»:

بزرگی گفت چون یوسف چنان خواست که خود با ابن یامین دل کند راست
 به دل با او یکی گردد به اخلاص به تنهایی کند هم خلوتش خاص
 گه به دوزخ در سفیر شهوت است گاه در وی زمهریر نخوت است
 (عطار، ۱۳۹۱: ص ۳۳۲)

اشاره دارد به آیه «مُتَكَبِّرِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ لَا يَرُونَ فِيهَا شُمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا» (انسان: ۱۳) یعنی: «در آن [بهشت] برین [بر تختها]ی خویش [تکیه زنند. در آنجا نه آفتابی بینند و نه سرمایی».

در عشق تو دل هزار جان تاوان داد تن در ستم هاویه هجران داد
 (عطار، ۱۳۸۹: ص ۱۳۶)

اشاره عطار به این آیه مبارکه است: «وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُمَّهُ هَاوِيَةٌ وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَةٌ نَارًا حَامِيَةً» (قارعه: ۸ - ۱۱). یعنی: و اما هر که سنجیده‌هایش سبک برآید، پس جایش هاویه باشد و تو چه دانی که آن چیست؟ آتشی سوزنده است».

شود معنی باطن جمله ظاهر بلاشک این بود تبلی السرائر
 (عطار، ۱۳۹۲ الف: ص ۱۱۷)

اشاره به آیه «يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ» (طارق: ۹) یعنی: «آن روز که رازها همه آشکار شود».

نهادش از پی آن صاع در بار به دزدی کرد منصوبش زهی کار
 (عطار، ۱۳۸۸: ص ۲۱۲)

تأثیرپذیری تلمیحی: تلمیح آن است که «گوینده در ضمن کلام به داستان یا مثلی و حدیثی معروف اشاره [نماید]» (همایی، ۱۳۸۶: ص ۳۲۸). کزازی در تعریف تلمیح که آن را «چشمزدآرایی» مینامد آورده است: «آرایه‌ای است درونی که سخنان بدان سخت کوتاه از داستانی، داستانی [مثلی]، گفته‌ای و هر چه از این گونه، سخن در میان می‌آورد» (۱۳۷۳: ص ۱۱۰). در این شیوه تأثیرپذیری عطار سخن خود را بر پایه نکته‌ای قرآنی قرار داده

است و بصورت اشاری آن را مورد توجه قرار میدهد. «خواننده اهل و آشنا در این شیوه به آنچه هنرمند بدان نظر داشته، راه می‌یابد و چه بسا خواننده ناآشنا به کند و کاو و جستجو وادار میگردد و معمولاً مرز میان اثرپذیری و ازگانی و تلمیحی یکی میشود» (راستگو، ۱۳۹۳: ص ۳۴).

مرحبا ای عندلیب باغ عشق	نالہ کن خوش خوش ز درد و داغ عشق
خوش بنال از درد دل داوود وار	تا کنندت هر نفس صد جان نثار
حلق داوودی به معنی برگشای	خلق را از لحن خلقت رهنمای

(عطار، ۱۳۹۱: ص ۵۹)

در این ابیات عطار به قصه حضرت داوود (ع) گریز میزند و از معجزه ایشان که زره میساخت و آهن را چون موم نرم میکرد و صدای خوب ایشان یاد میکند (رک فروزانفر، ۱۳۷۰: ص ۹۸).

چند پیوندی زره بر نفس شوم	همچو داوود آهن خود گرم کن
گر شود این آهنت چون موم نرم	تو شوی در عشق چون داوود گرم

(همان)

تلمیحی است به آیه «وَسَخَّرْنَا مَعَ دَاوُودَ الْجَبَالَ يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرَ وَكُنَّا فَاعِلِينَ وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَّكُمْ لِيُخَفِّيَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ (انبیاء: ۷۹ - ۸۰)». یعنی: «و کوهها را با داوود و پرندگان به نیایش واداشتیم و ما انجام‌دهنده بودیم و به [داوود] فن زره، آموختیم، تا شما را از [خطرات] جنگتان حفظ کند. پس آیا شما سپاسگزارید؟». عطار در ابیاتی با اشاره به داستان هاروت و ماروت در قرآن کریم میگوید:

مکن امروز ضایع زندگانی	چو میدانی که تو فردا نمایی
به بابل میروی ای مرد فرتوت	که سحر آموزی از هاروت و ماروت

(عطار، ۱۳۸۸: ص ۱۸۸)

از این داستان در قرآن کریم چنین یاد شده است: «وَاتَّبِعُوا مَا تَتْلُو الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكِ سُلَيْمَانَ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَمَا أُنزِلَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» (بقره: ۱۰۲). یعنی: «آنچه را که شیطان [صفت]ها در سلطنت سلیمان خوانده [او درس گرفته] بودند، پیروی کردند. و سلیمان کفر نورزید، لیکن آن شیطان [صفت]ها به کفر گراییدند که به مردم سحر می‌آموختند. و [نیز از] آنچه بر آن دو فرشته، هاروت و ماروت، در بابل فرو فرستاده شده بود [پیروی کردند]، با اینکه آن دو [فرشته] هیچ کس را تعلیم [سحر] نمی‌کردند مگر آنکه [قبلا به او] میگفتند: ما [وسیله] آزمایشی [برای شما] هستیم، پس زهار کافر نشوی. و [الی] آنها از آن دو [فرشته] چیزهایی می‌آموختند که به وسیله آن میان مرد و همسرش جدایی بیفکنند. هر چند بدون فرمان خدا نمی‌توانستند به وسیله آن به احدی زیان برسانند. و [خلاصه] چیزی می‌آموختند که برایشان زیان داشت، و سودی بدیشان نمیرسانید. و قطعاً [یهودیان] دریافتند و بدوند که هر کس خریدار این [متاع] باشد، در آخرت بهره‌ای ندارد. و هر چه بد بود آنچه به جان خریدند-اگر میدانستند». نیز تلمیحی به داستان قارون در قرآن کریم که میفرماید: «فَحَسَبْنَا بِهِ وِبْدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِنْ فِئَةٍ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُنْتَصِرِينَ» (قصص: ۸۱). یعنی: «آنگاه [قارون] را با خانه‌اش در زمین فرو بردیم، و گروهی نداشت که در برابر [عذاب] خدا او را یاری کنند و [خود نیز] نتوانست از خویشان دفاع کند».

تا کی باشم بسته هستی بی تو افتاده هشیاری و مستی بی تو
گر ننالیدم ز تنگدستی بی تو قارون شده‌ام به زرپرستی بی تو
(عطار، ۱۳۸۹: ص ۲۵۰)

تأثیرپذیری خوشه‌های تصویری: مقصود از اثرپذیری تصویری «نقش‌آفرینی‌ها، سیماسازیها، نگاره‌پردازیه‌ها و چهره‌بخشیه‌های شاعرانه‌ای است که سخنور با خامه خیال بر صفحه سخن مینگارد و میپردازد و حاصل آن همان است که در زبان ادب تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه، تجسیم، تشخیص و بطور کلی خیال و ایماژ خواننده میشود» (راستگو، ۱۳۹۳: ص ۶۱). عطار در بیانی تصویری از آیه امانت «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء: ۷۰). یعنی «و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم، و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکبها] برنشانندیم، و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم، و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم». با تصویری کنایی از آفرینش آدم (ع) از آب و خاک و کشیدن بار امانت میگوید:

آن امان سرّ او هم میکشد قشر عالم مغز عالم میکشد
گر نبودی در میان آن سرّ پاک کی کشیدی آن امانت آب و خاک
(عطار، ۱۳۹۲: ب: ۴۴۴)

تعبیر کنایی «بار غار» در این بیت:

چارچوب طبع بشکن مردوار در درون غار وحدت کن فرار
چون بغار اندر قرار آید تو را صدر عالم یار غار آید تو را
(عطار، ۱۳۹۱: ص ۲۶۰)

این ابیات تعبیر کنایی است در خصوص آیه چهلم از سوره مبارکه توبه در خصوص یکی از حوادث زندگانی پیامبر اکرم (ص) که آن حضرت به‌مراه ابوبکر در غار ثور مخفی میشوند و مشرکان از یافتن ایشان ناامید میشوند. «إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيًا إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَىٰ وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (توبه: ۴۰). از آنجا که ابوبکر در غار، یار پیامبر (ص) بوده است اصطلاح یار غار در معنای دوست و همراه در ادبیات رایج شد. در مثالی دیگر «دم عیسی» کنایه از شفابخشی است که تصویری قرآنی از آیه مبارکه «وَأَخِيهِ الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ» (آل عمران: ۴۹). است یعنی: «و به اذن خدا مردگان را زنده میگردانیم»:

ای صبح اگر عزیمت خنده کنی حالم چو جمال خویش فرخنده کنی
دایم چون تویی همدم عیسی در دم تا بو که دل مرده من زنده کنی
(عطار، ۱۳۸۹: ص ۲۰۱)

توجه به اشارات تاریخی، رخدادها و حوادث مذهبی، اشارات موردی و مفصل: این دسته از تأثیرپذیری قرآنی شامل اشاراتی حقیقی و تاریخی است که عمدتاً به ماجرای انبیاء، پیامبران و وقایع تاریخ اسلام اشاره دارد. اشاره به معجزه حضرت عیسی مسیح (ع) در زنده ساختن مردگان:

صبحدم بر یاد تو یک خنده کرد خلق را از دم عیسی زنده کرد
(عطار، ۱۳۹۲: ب: ص ۱۲۴)

توجه به پاکی مریم (ع) در آیه «إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ وَيَكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصَّالِحِينَ قَالَتْ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمَسُّنِي بَشَرٌ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (آل عمران: ۴۵ - ۴۷).

سخن را طبع عیسی فکر باید / چو مریم گر بزاید بکر باید
(عطار، ۱۳۹۲ الف: ۲۲۷)

داستان یونس (ع) و ماهی که با تعبیر «ذوالنون» یاد شده است و ناظر به آیه «وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَىٰ فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ» (انبیاء: ۸۷ - ۸۸):

گر بود از ماهی نفست خلاص / مونس یونس شوی در صدر خاص
(عطار، ۱۳۹۱: ۲۶۱)

اشاره به خواب حضرت ابراهیم (ع):

چون خلیل آن یک دمی خفت ای عجب / در پسر کشتن فتاد او زان سبب
(عطار، ۱۳۹۲ ب: ص ۱۸۴)

که اشاره به واقعه تاریخی قربان ساختن حضرت اسماعیل (ع) دارد: «فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعَىٰ قَالَ يَا بَنِيَّ إِنِّي آرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَىٰ قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ» (صافات: ۱۰۲).
اشاره به داستان سگ اصحاب کهف:

دمی ای صدر دین عطار را باش / شفاعت خواه او شو کار را باش
ترا من چون سگ اصحاب کهفم / که تا هستم بر این درگاه وقفم
(عطار، ۱۳۹۲ الف: ص ۲۰۱)

که اشاره‌ای است به واقعه تاریخی اصحاب کهف در قرآن کریم؛ آنجا که میفرماید: «وَتَحْسَبُهُمْ أَيْقَاظًا وَهُمْ رُقُودٌ وَنُقَلِّبُهُمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَذَاتَ الشِّمَالِ وَكَلْبُهُمْ بَاسِطٌ ذِرَاعَيْهِ بِالْوَصِيدِ لَوِ اطَّلَعْتَ عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتَ مِنْهُمْ فِرَارًا وَلَمَلِئْتَ مِنْهُمْ رُغْبًا» (کهف: ۱۸).

مضامین قرآنی و اقتباس معنایی: شاعران پارسی‌گو از دیرباز تاکنون بسیاری از مضامین قرآن کریم را مورد توجه قرار داده‌اند. «اگر بر مبنای گزارش تاریخ سیستان، محمد بن وصیف سگزی را نخستین شاعر پارسی‌گوی بدانیم، پیشینه تأثیرپذیری شاعران از کلام الهی [تا به زمان او] میرسد، بگونه‌ای که در شعری با مطلع:

ای امیری که غلامان جهان خامه و عام / بنده و چاکر و مولی و سگ‌بند و غلام

با تأثیرپذیری از آیه شریفه: «فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرَبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ» بیت زیر را سرود:

لمن الملک بخواندی تو امیرا به یقین / با قلیل الفئه کت زاد در آن لشکر کام
(محرمی و همکاران، ۱۳۹۵: ص ۱۳۱)

تجلی قرآنی در شعر عطار، گاه در قالب مضامین و محتوایی است که از این کتاب آسمانی اقتباس شده است. عطار با بهره‌گیری از آیات قرآن به تبیین و تشریح طرحی از سلوک عرفانی خویش می‌پردازد و به این شیوه بر میزان اعتبار و وجهه کلام خویش می‌افزاید. در بسیاری از موارد عطار به مضمون آیه‌ای استناد میکند در حالیکه لفظ آیه بصورت مستقیم آورده نشده است. عطار به تناسب آیه و بافت شعر و کلام خویش از آیات الهی برداشت مفهومی دارد و عمدتاً به طرح یک مسأله عرفانی می‌پردازد. در ادامه به نمونه‌هایی از این قبیل اقتباس معنایی اشاره میکنیم: بر طبق آیات قرآن، معاد انسانها چنین توصیف شده است: «أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعِثَ رَمَلًا فِي الْقُبُورِ» (عادیات: ۹). یعنی: «آیا نمیدانند هنگامیکه انسان از قبرها برانگیخته میشود» عطار در اشاره به معاد جسمانی و روحانی انسان طبق این آیه شریفه، این مضمون را مورد توجه قرار داده و میگوید:

چراغی در بیابان است جانت که مشکات تن آمد سداً آنت
چو این مشکات خیزد آن بیابان شود جاوید چون خورشید تابان
(عطار، ۱۳۸۸: ص ۱۶۷)

بر طبق این ابیات، عطار بیان میکند که روح و جان همه به خدا بازمیگردد و این محو شدن جسم و روح در ذات پروردگار، عین بقاست؛ این مضمون بگونه‌ای دیگر در مصیبت‌نامه مورد توجه قرار گرفته است:

اولین بنیاد در عالم تویی واپسین جسمی که ماند هم تویی
جسم و جان را کار پرداز آمدی جز و کل را قبه راز آمدی
جمله ارواح را مرجع تویی جمله اشباح را مقطع تویی
(عطار، ۱۳۹۲: ب: ص ۱۰۲)

عطار در طرحی تمثیلی داستان هبوط آدم (ع) را در منطق‌الطیر چنین مورد توجه قرار داده است:

بود آدم را دلی از کهنه سیر از برای نو به گندم شد دلیر
کهنه‌ها جمله به یک گندم فروخت هر چه بودش جمله در گندم بسوخت
عور شد دردی ز دل سر بر زدش عشق آمد حلقه‌ای بر در زدش
(عطار، ۱۳۹۱: ص ۲۸۹)

در قرآن کریم آیات زیادی در نکوهش دلبستگی به دنیا و دعوت به ترک تعلقات مورد توجه قرار گرفته است؛ بعنوان نمونه خداوند متعال میفرماید: «فَحَسْبُنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضُ فَمَا كَانَ لَهُ مِنْ فِئَةٍ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُنتَصِرِينَ» (قصص: ۸۱). یعنی: «پس (از اندک زمانی) ما هم او را با خانه (و گنج و دارایی) اش به زمین فرو بردیم و هیچ حزب و جمعیتی نداشت که او را در برابر خدا یاری کنند و خود هم نتوانست خویش را یاری دهد» این آیه مبارکه در توصیف قارون و ثروت‌اندوزی اوست:

در غم دنیا گرفتار آمدی خاک بر فرقت که مردار آمدی
ای ز غفلت غرقه دریای آز می‌دانی کز چه می‌مانی تو باز
حب دنیا ذوق ایمانت ببرد آرزو و آز تو جانت ببرد
(عطار، ۱۳۹۱: ص ۱۷۱)

تسبیح و حمد خداوند از دیگر مضامینی است که عطار با اقتباس هنری از آیات مربوط به آن در قرآن کریم به بیان هنری پرداخته است. خداوند در قرآن کریم میفرماید: «يَسْبِخُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ» (جمعه: ۱). یعنی: «به پاکی میستاید الله را هر چه در آسمانهاست و در زمین، آن پاک

ستوده بی‌عیب، بی‌همتا [او] دانای راست کردار» نیز در آیه دیگری آمده است: «بَسَّحَ لِّهٖ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَمَا فِی الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (تغابن: ۱). این مضمون، دستمایه‌ای برای عطار شده است
بعنوان نمونه:

کمال ذره ذره، ذکر و تسبیح که عارف بشنود یک یک بتصریح
(عطار، ۱۳۹۲ الف: ص ۲۷۹).

فرایند تأویلی: تأویل (هرمنوتیک) بدنبال یافتن معنی نهان در متن است. «تأویل در بسیاری از مواقع، خواننده‌محور است. اعتقاد به تأویل مستلزم آن است که تأویل‌کننده [خواننده] متن را دارای معانی پیچیده و رمزی بداند که در این صورت در فرایند خوانش نویسنده واژه‌ها را می‌آورد و خواننده معنا را» (ریکور، ۱۳۹۷: ۳ / ص ۳۳۷). علمای لغت برای تأویل معانی گوناگونی آورده و بعضاً آن را با تفسیر یکی دانسته‌اند. در لغتنامه دهخدا ذیل واژه تأویل آمده است: «بازگشت کردن از چیزی، برگرداندن به چیزی» (دهخدا، ۱۳۷۲: ذیل واژه). در این شیوه، شاعر آیه‌ای را با دقت و موشکافی بصورت پنهانی در لابلای متن مورد توجه قرار میدهد. «در این شیوه اثرپذیری [از آیات قرآن]، شاعر از آیه، معنایی نو بدست میدهد» (راستگو، ۱۳۹۳: ص ۵۵). در قرآن کریم نیز بر تدبیر در آیات تأکید شده است:

«كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ» (ص: ۲۹). یعنی: [این] کتابی مبارک است که آن را به سوی تو نازل کرده‌ایم تا درباره آیات آن بیندیشند، و خردمندان پند گیرند».

از نمونه‌های ابیات تأویلی عطار، میتوان به داستانی از الهی‌نامه اشاره کرد. عطار از زبان بهلول با نگاهی تأویلی به متن آیه «وَإِنَّا لَنَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَنَحْنُ الْوَارِثُونَ» (حجر: ۲۳) یعنی «و بی‌تردید، این ماییم که زنده می‌کنیم و می‌میرانیم، و ما وارث [همه] هستیم» آورده است:

مگر بهلول چوبی داشت در دست	که بر هر گور میزد تا که بشکست
بدو گفت کای مرد پرآشوب	چرا این گورها را می‌زنی چوب
چنین گفت او که این قومی که رفتند	دروغ بی‌عدد گفتند و خفتند
گهی گفتی سرای و منظر من	گه آن که گفتی اسباب و زر من
خدا گفت این همه دعوی روا نیست	که میراث من است آن شما نیست

(عطار، ۱۳۸۸: ص ۹۹)

چنانکه میدانیم آیات قرآن بر حسب شرایط، موضوعات، زمانها و مکانهای مختلفی نازل شده است و فهم این پیشینه در تفسیر و تحلیل صحیح آیات نقش بسزایی دارد. مفسران قرآن کریم همواره به این شرایط جهت تفسیر آیات و فهم آنها توجه داشته‌اند چرا که بدون در نظر گرفتن این بافت زمینه‌ای نمیتوان مقصود آیه را درک نمود صرف‌نظر از این نوع رویکردهای تفسیری، عموماً در بین عرفا رویکردهای هنجارشکنانه و تأویلی وجود دارد که در آن عارفی مانند عطار سیاق آیه را نادیده میگیرد و با ذوق هنری خویش به تأویل آن میپردازد که در واقع میتوان آن را «فرایند بافت‌سازی» یا «بافت‌زدایی» نامید. «فرایند بافت‌سازی و بافت‌زدایی، فرایندی پیوستاری و سلسله‌مراتبی است. متنی که ممکن است در کنش ارتباطی و برای مخاطبی بی‌معنا بنظر برسد، در کنش ارتباطی دیگری و برای مخاطبی که به قراردادهای رمزگانهای دیگری دسترسی دارد، ممکن است قابل دریافت باشد و از سوی دیگر متنی که بنظر میرسد میتوان ارتباط بافتی قطعی بین لایه‌های سازنده‌اش برقرار کرد، ممکن است با افزوده شدن لایه‌های دیگر قطعیت ظاهری خود را از دست بدهد و دستخوش بازی تفسیرها شود» (سجودی،

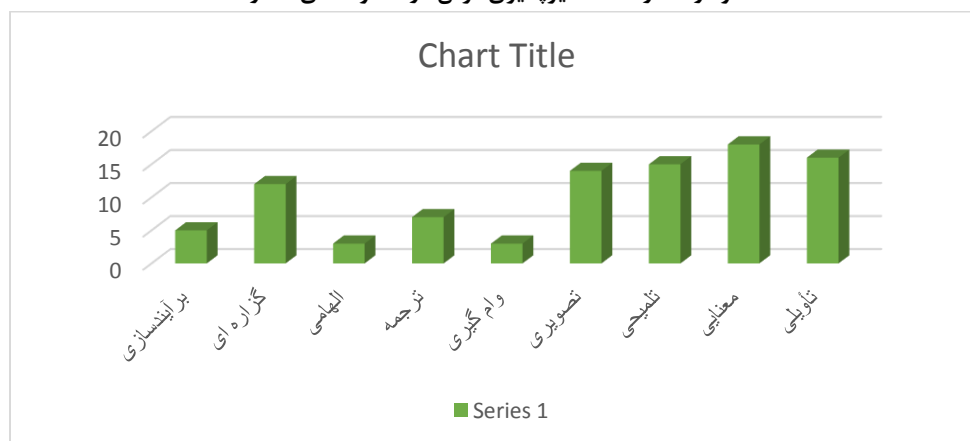
۱۳۹۳: صص ۲۱۲ - ۲۱۳). از این رو بلاغت آیات الهی و خاصیت تأویل‌پذیری آن، زمینه مناسبی را جهت تأویل عرفانی فراهم می‌نماید تا شاعری مانند عطار، بگونه‌ای ذوقی و هنری از لابه لای آیات این کتاب مقدس، اشارات و دریافتهای باطنی را مطرح نماید. عطار برای توجیه و تفسیر پنهان بودن ابلیس از چشمها، میگوید که ابلیس مظهر قهر الهی بوده و در سجده نکردن اختیاری از خود نداشته است:

چنین گفت آن بزرگ دین که مطلق همی رفته است با ابلیس الحق
براندش از بر و از بهر این راز بلعنت کردش از آفاق ممتاز
از آن از قهر خویشش جامه پوشید که در قهرش ز چشم عامه پوشید
(عطار، ۱۳۸۸: ص ۲۱۲)

جداول و نمودارهای آماری

ردیف	نحوه تأویل‌پذیری	ابیات	درصد
۱	واژه‌گانی	۲۰۵	۴/۱
	وام‌گیری	۲۷۱	۵/۴۲
	ترجمه برآیندسازی	۱۲۸	۲/۵۶
۲	گزاره‌ای	۵۹۸	۱۱/۹۶
۳	الهامی - بنیادی	۲۱۱	۴/۲۲
۴	تلمیحی	۶۰۱	۱۲/۰۲
۵	تأویلی	۶۹۴	۱۳/۸۸
۶	تصویری	۵۱۲	۱۰/۲۴
۷	معنایی و مضمونی	۷۱۷	۱۴/۳۴
جمع	۵۰۰۰ بیت	-----	-----

نمودار شماره (۱): تأثیرپذیری قرآن در منظومه‌های عطار



نتیجه پژوهش

عطار نیشابوری بعنوان شاعری عارف از آیات قرآن کریم در منظومه‌های خویش بسیار بهره گرفته است. با دقت در اشعار عطار میتوان میزان تسلط و آگاهی او را نسبت به مفاهیم قرآنی و دینی بخوبی و بصورت کاملاً واضح و آشکاری مشاهده نمود. تأثیرپذیری عطار از قرآن و آیات و حیانی بصورت‌های مختلف و طرق گوناگونی صورت پذیرفته است. اقسام این تأثیرپذیری در منظومه‌های عطار در مقاله حاضر مورد بررسی قرار گرفت و از مجموع ۵۰۰۰ هزار بیت از آثار عطار شامل اسرارنامه، الهی‌نامه، مصیبت‌نامه، مختارنامه و منطق‌الطیر میتوان به نتایج زیر اشاره نمود: عطار در تأثیرپذیریهای خود از آیات قرآن از واژگان، در قالب وام‌گیری، ترجمه، برآیندسازی، تأثیرپذیری گزاره‌ای، الهامی، تلمیحی، تأویلی، تصویری توجه به معنا و مضمون بهره گرفته است. از میان انواع تأثیرپذیریها تأثیرپذیری معنایی و مضمونی بیشتر مورد توجه بوده و پس از آن تأویل، تلمیح و اقتباس (تضمین) در رتبه‌های بعد قرار گرفته است. این تأثیرپذیریها ذیل دو شکل کلی ساختاری و محتوایی قابل تقسیم است. در حیطه تأثیرپذیری ساختاری، عطار بیشتر به کلمات و عبارات قرآنی با بهره‌گیری از اصل واژه توجه نموده است و در حیطه تأثیرپذیری محتوایی تأویل توجه به مضامین قرآنی در قالب داستانها و رخدادهای تاریخی و قصص انبیاء بیشتر مورد توجه قرار گرفته است.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشگاه آزاد اسلامی واحد رامهرمز استخراج شده است. جناب آقای دکتر مسعود پاکدل راهنمایی این رساله را بر عهده داشته‌اند و طراح اصلی این مطالعه و نویسنده مسئول بوده‌اند. سرکار خانم دکتر منصوره تدینی و خانم دکتر سیما منصوری بعنوان مشاوران و دانشجو رحیم صالحی پژوهشگران این رساله در گردآوری و تنظیم متن مقاله نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر چهار پژوهشگر میباشد.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رامهرمز و مسئولین و اساتید فرهیخته نشریه وزین سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب) اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض

احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش بعهدۀ نویسندۀ مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- The Holy Quran. Translated by Mahdi Elahi Qomshei.
- Asadollahi. Shokoh and Jalali Shijani (2016). "An Analysis of the Influence of Verses and Hadiths in the Works of Attar Neyshaburi". *Islamic Mysticism Quarterly*. Year 13. Issue 49. Pages 159-180.
- Attar. Farid al-Din Mohammad (2009). *Ilahi nameh*. Edited by: Mohammad Reza Shafi'i Kadkani. Fifth edition. Tehran: Sokhan.
- _____ (2010). *Mukhtarnameh*. Edited by: Mohammad Reza Shafi'i Kadkani. Fourth edition. Tehran: Sokhan.
- _____ (2012). *ManteqolTeyr*. Edited by: Mohammad Reza Shafi'i Kadkani. Eleventh edition. Tehran: Sokhan.
- _____ (2013b). *Mosibatnameh*. Edited by: Mohammad Reza Shafi'i Kadkani. Eleventh edition. Tehran: Sokhan.
- _____ (2013 a) *Asrarnameh*. Edited by Mohammad Reza Shafi'i Kadkani. Sixth Edition. Tehran: Sokhan.
- Dekhoda. Ali Akbar (2003). *Dictionary*. Tehran: Tehran University Press.
- Foruzanfar. Mohammad Hassan (1991). *Sources of Stories and Allegories of the Masnavi*. Fourth edition. Tehran: Amir Kabir, p. 98.
- Halabi. Ali Asghar (2019). *The Influence of the Quran and Hadith in Persian Literature*. Tehran: Asatir, pp. 52-59.
- Homaei. Jalal-eddin (2007). *Rhetoric and Literary Crafts*. Twenty-seventh Edition. Tehran: Homa Publishing House, pp. 220-378-338
- Kazazi. Mir Jalal al-Din (1994). *Aesthetics of Persian Speech (Badi')* Fifth edition. Tehran: Kitab Mad (affiliated with Markaz Publishing), p. 110.
- Khormshahi. Baha'uddin (2000). *The Culture of the Quran*. Tehran: Tarh-e-No.
- Moharami. Ramin et al. (2016). "Investigating the Effect of Quranic Themes on Children's Poems by Jafar Ebrahimi (Shahid)". *Scientific-Research Quarterly Journal of Quranic Literary Studies*. Year 4. Issue 1. pp. 130-145.
- Rastgou. Sayed Mohammad (2014). *The Manifestation of the Quran and Hadith in Persian Poetry*. Tehran: Organization for the Study and Compilation of University Humanities Books (SAM), pp. 18-15-30-34-61-55.
- Ricor. Paul (2018). *Time and Story*. Second and Third Books. Translated by: Mahshid Nunhali. Vol. 3. Tehran: Ney, p. 337.

Sajudi. Farzan (2014). Applied Semiotics. Second Edition. Tehran: Alam, pp. 212-213.

Shameli. Nasrollah and Others (2013). "How Quranic Verses Are Present in Saadi Shirazi's Arabic Poems". Specialized Quarterly Journal of Persian Poetry and Prose Stylistics (Bahar Adab). Year 6. Issue 2. Papi 20. pp. 261-243.

Sharifi. Mohammad (2009). Persian Literature Dictionary. Tehran: Nashr No, p. 420.

فهرست منابع فارسی

قرآن کریم. ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای.

اسداللهی. شکوه و جلالی شیجانی (۱۳۹۵). «تحلیلی از تأثیر آیات و روایات در آثار عطار نیشابوری». فصلنامه عرفان اسلامی. سال سیزدهم. شماره ۴۹. صص ۱۵۹ - ۱۸۰.

حلبی. علی اصغر (۱۳۹۸). تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی. تهران: اساطیر، صص ۵۲ - ۵۹.

خرمشاهی. بهاء‌الدین (۱۳۷۷). فرهنگ آفرینی قرآن. تهران: طرح نو.

دهخدا. علی اکبر (۱۳۷۲). لغتنامه. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

راستگو. سید محمد (۱۳۹۳). تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، صص ۱۸ - ۱۵ - ۳۰ - ۳۴ - ۶۱ - ۵۵.

ریکور. پل (۱۳۹۷). زمان و حکایت: کتاب دوم و سوم. ترجمه: مهشید نونهالی. ج ۳. تهران: نی، صص ۳۳۷.

سجودی. فرزانه‌شناسی کاربردی. ویرایش دوم. تهران: علم، صص ۲۱۲ - ۲۱۳.

شاملی. نصرالله و دیگران (۱۳۹۲). «چگونگی حضور آیات قرآنی در اشعار عربی سعدی شیرازی». فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب). سال ششم. شماره دوم. پایب ۲۰. صص ۲۴۳-۲۶۱.

شریفی. محمد (۱۳۸۸). فرهنگ ادبیات فارسی. تهران: نشر نو، صص ۴۲۰.

عطار. فریدالدین محمد (۱۳۹۲ الف) اسرارنامه. به تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی. چاپ ششم. تهران: سخن.

_____ (۱۳۸۸). الهی‌نامه. به تصحیح: محمدرضا شفیعی کدکنی. چاپ پنجم. تهران: سخن.

_____ (۱۳۸۹). مختارنامه. به تصحیح: محمدرضا شفیعی کدکنی. چاپ چهارم. تهران:

سخن.

_____ (۱۳۹۱). منطق الطیر. به تصحیح: محمدرضا شفیعی کدکنی. چاپ یازدهم. تهران:

سخن.

_____ (۱۳۹۲ ب). مصیبت‌نامه. به تصحیح: محمدرضا شفیعی کدکنی. چاپ یازدهم. تهران:

سخن.

فروزانفر. محمد حسن (۱۳۷۰). مأخذ قصص و تمثیلات مثنوی. چاپ چهارم. تهران: امیرکبیر، صص ۹۸.

کزاز. میرجلال‌الدین (۱۳۷۳). زیبایی‌شناسی سخن پارسی (بدیع) چاپ پنجم. تهران: کتاب ماد (وابسته به نشر مرکز)، صص ۱۱۰.

محرمی. رامین و همکاران (۱۳۹۵). «بررسی تأثیر مضامین قرآنی در اشعار کودکان جعفر ابراهیمی (شاهد)». فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های ادبی - قرآنی. سال چهارم. شماره اول. صص ۱۳۰ - ۱۴۵. همایی. جلال‌الدین (۱۳۸۶). فنون بلاغت و صناعات ادبی. چاپ بیست و هفتم. تهران: نشر هما، صص ۲۲۰ - ۳۷۸. - ۳۳۸.

معرفی نویسندگان

رحیم صالحی: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران.

(Email: rsalehi1356@gmail.com)

(ORCID: 0009-0001-2866-1981)

مسعود پاکدل: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران.

(Email: masoud.pakdel@iaiu.ac.ir : نویسنده مسئول)

(ORCID: 0000-0002-2532-0639)

منصوره تدینی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران.

(Email: MS.tadayoni@yahoo.com)

(ORCID: 0000-0003-1125-771x)

سایما منصوره: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران.

(Email: Simamansoori91@yahoo.com)

(ORCID: 0000-0001-5154-1286)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Rahim Salehi: PhD student in the Department of Persian Language and Literature, Ramhormoz Branch, Islamic Azad University, Ramhormoz, Iran.

(Email: rsalehi1356@gmail.com)

(ORCID: 0009-0001-2866-1981)

Masoud Pakdel: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Ramhormoz Branch, Islamic Azad University, Ramhormoz, Iran.

(Email: masoud.pakdel@iaiu.ac.ir : Responsible author)

(ORCID: 0000-0002-2532-0639)

Mansoureh Tadayoni: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Ramhormoz Branch, Islamic Azad University, Ramhormoz, Iran.

(Email: MS.tadayoni@yahoo.com)

(ORCID: 0000-0003-1125-771x)

Sima Mansouri: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Ramhormoz Branch, Islamic Azad University, Ramhormoz, Iran.

(Email: Simamansoori91@yahoo.com)

(ORCID: 0000-0001-5154-1286)